



اظهار نظر کارشناسی درباره:  
«طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه  
مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها»  
ثبت‌های (۱۷۵، ۲۰۲، ۶۳۸، ۴۰۳، ۵۶۸)  
(کلیات طرح)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۱۹۲۲۰  
کد موضوعی: ۲۶۰



مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:  
۱۴۰۲/۵/۲۸

**عنوان گزارش:**

اظهارنظر کارشناسی درباره:  
«طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه  
مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها»  
ثبت‌های (۱۷۵، ۲۰۲، ۶۳۸، ۴۰۳، ۵۶۸)  
(کلیات طرح)

**نام دفتر:**

مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

**تهیه و تدوین:**

فاطمه‌سادات میراحمدی

**ناظر علمی:**

حسن کریمی‌فرد

**اظهارنظرکننده:**

محمد صالحی (دفتر مطالعات حقوقی)

**گرافیک و صفحه‌آرایی:**

سیده فاطمه ابوطالبی

**ویراستار ادبی:**

سیده مرضیه موسوی‌راد

**واژه‌های کلیدی:**

- اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه
- افزایش نمایندگان
- جمعیت
- مقتضیات اجتناب‌ناپذیر



## فهرست مطالب

۶	چکیده
۶	مقدمه
۷	اظهار نظر کارشناسی
۱۴	نتیجه گیری
۱۴	منابع و مأخذ

## فهرست جداول

۹	جدول ۱. نحوه توزیع چهل کرسی میان استان های کشور در مصوبه کمیسیون
---	--



# اظهار نظر کارشناسی درباره: «طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها» ثبتهای (۱۷۵، ۲۰۲، ۶۳۸، ۴۰۳، ۵۶۸) (کلیات طرح)

## چکیده



شکل‌گیری مجلسی مردم‌سالار منجر شود. در حال حاضر نه استان‌های کشور نسبت به جمعیت خود سهم برابری از کرسی‌های مجلس دارند و نه حوزه‌های انتخابیه درون استان‌ها. مصوبه کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای با وجود برخی ایرادها، منجر به نوعی عدالت نسبی در امر حوزه‌بندی و تعداد نمایندگان استان‌های کشور و حوزه‌های انتخابیه خواهد شد. لذا تصویب کلیات طرح مشروط به اصلاح برخی بندهای ماده واحد پیشنهاد می‌شود.

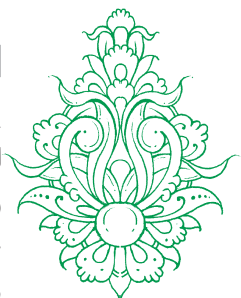
طبق اصل شصت و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۷۰ نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال ۱۳۶۸ هجری شمسی پس از هر ۱۰ سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر ۲۰ نفر نماینده می‌تواند اضافه شود». با توجه به گذشت بیش از بیست سال از آخرین بازنگری در تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی، می‌توان چهل نماینده اضافه کرد. ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه و افزایش نمایندگان باید به گونه‌ای انجام گیرد که به تحقق عدالت و برابری حق رأی شهروندان و

## مقدمه

یکی از پیش‌نیازهای اصلی برگزاری انتخابات، تقسیم سرزمین به حوزه‌های انتخاباتی با مرزهای مشخص و مبتنی بر قوانین انتخاباتی است. از آنجا که انتخابات در چارچوب حوزه‌های انتخابیه برگزار می‌شود، نحوه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه و تعیین تعداد نمایندگان حوزه‌ها، برای نامزدهای حوزه‌های انتخابیه و همچنین شهروندان پیامدهای مهمی دارد و یکی از عوامل تعیین‌کننده ترکیب پارلمان است.

رایج‌ترین معیار برای ترسیم و اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه و تعیین تعداد نمایندگان «برابری نسبی جمعیت حوزه‌های انتخابیه» است، البته درباره اینکه میزان برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه چقدر باشد و عدول از اصل برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه تا چه حد مجاز است، تفاوت‌هایی میان کشورهای مختلف وجود دارد. در بسیاری از کشورها، طبق قانون، نهادهای مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه موظفند به هنگام ترسیم مرزهای حوزه‌ها به «جغرافیا» یا برخی از عوامل خاص جغرافیا توجه ویژه داشته باشند. رایج‌ترین معیار جغرافیایی، توجه به «مرزهای سیاسی محلی» است که از قبل وجود داشته‌اند. همچنین در بسیاری از کشورها تلاش می‌شود مرزهای حوزه‌های انتخابیه به گونه‌ای ترسیم شوند تا «منافع گروه‌های محلی» تا حد ممکن حفظ شود. شایان ذکر است که در بسیاری از کشورها، ابتدا کرسی‌های مجلس طبق قانون میان استان‌ها / ایالت‌ها توزیع و سهم هر استان / ایالت از کرسی‌های مجلس مشخص می‌شود (فرانسه، هند، کانادا، مکزیک، استرالیا و...) و سپس کرسی‌های اختصاص یافته به هر استان، طبق معیارهای مندرج در قوانین انتخاباتی میان حوزه‌های انتخابیه درون استان‌ها توزیع می‌شود [۱].

طبق اصل شصت و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۷۰ نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال ۱۳۶۸ هجری شمسی پس از هر ۱۰ سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر







کشوری نیز حاکی از وجود وضعیتی نامناسب است. برای مثال، در حال حاضر پرجمعیت‌ترین حوزه انتخابیه کشور با یک نماینده، ۳۴ برابر کم‌جمعیت‌ترین حوزه انتخابیه کشور جمعیت دارد. به سخن دیگر در حالی که حوزه انتخابیه‌ای با ۱,۴۳۸,۱۳۸ نفر و یک نماینده در کشور وجود دارد، حوزه انتخابیه‌ای با ۴۲,۱۰۵ نفر و یک نماینده را نیز شاهد هستیم که توجهی برای این وضعیت وجود ندارد. این وضعیت اصلاح کل جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی از طریق باز توزیع تعداد نمایندگان میان استان‌ها و همچنین میان حوزه‌های انتخابیه درون استان‌ها (با اصلاح و باز ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه و باز توزیع تعداد نمایندگان هر استان میان حوزه‌های انتخابیه استان) بر اساس میانگین کشوری را ضروری می‌سازد.

این امر مستلزم ایجاد یک نظام جامع برای حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی از طریق تدوین و تصویب یک قانون مجزا است؛ زیرا گذشته از مبهم بودن معیارهای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه و تعیین تعداد نمایندگان حوزه‌ها و فقدان حدنصاب جمعیتی در قانون برای داشتن یک نماینده، نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی از حیث سایر الزامات یک ساختار رسمی و حقوقی مرتبط با ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه (مانند نهاد مسئول ترسیم طرح اولیه مرزهای حوزه‌های انتخابیه، علت / علل اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه طی زمان و...) نواقص مهمی دارد. بیشتر این نواقص از دوره مشروطه تاکنون بر نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس حاکم بوده است [۳ و ۴]. لذا رویکرد ایده‌آل این است که ابتدا نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی در قالب قانونی مجزا، با توجه به اصل شصت و چهارم قانون اساسی و نیز بند «۱» سیاست‌های کلی انتخابات (که بر حوزه‌های انتخابیه «تک کرسی» تأکید دارد [۵]) اصلاح شود و سپس با مینا قرار دادن قانون مذکور، کل جدول حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان مورد بازنگری قرار گیرد. به گونه‌ای که نتیجه این بازنگری تبدیل کل قلمرو کشور به حوزه‌های انتخابیه تک کرسی باشد. باین حال، در شرایط فعلی و نظر به اینکه تصویب و اجرای چنین قانونی فرایندی زمان‌بر است؛ افزایش چهل نماینده،<sup>۱</sup> در راستای تحقق اصل شصت و چهارم قانون اساسی به عنوان راهکاری کوتاه‌مدت ضروری است.

هر چند در قوانین انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران، مقرر قانونی که به چگونگی توزیع کرسی‌های مجلس شورای اسلامی میان استان‌های کشور بپردازد وجود ندارد، اما بدون بررسی چگونگی توزیع چهل کرسی میان استان‌های کشور نمی‌توان ارزیابی دقیقی از کلیات طرح حاضر ارائه کرد. بررسی چگونگی توزیع کرسی‌ها بین استان‌های کشور، نشانگر این است که آیا یک استان در مجموع از کمبود نماینده برخوردار است یا مازاد نماینده و توزیع کرسی‌ها میان استان‌ها در مصوبه کمیسیون عادلانه است یا خیر؟ در مرحله بعد با بررسی ماده واحده باید مشخص شود که

مطلق جمعیت حوزه‌های انتخابیه و در نتیجه برابری مطلق قدرت رأی‌دهی غیرممکن است و اعمال عوامل مذکور در امر حوزه‌بندی، «انحراف» از ملاک برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه را تا حدی اجتناب‌ناپذیر می‌سازد، اما این انحراف باید استاندارد و قابل تحمل بوده و نتیجه آن بی‌عدالتی و تبعیض میان استان‌های کشور و میان حوزه‌های انتخابیه درون استان‌ها از منظر نسبت جمعیت به تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی نباشد. در کل ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه باید به گونه‌ای انجام گیرد که به تحقق عدالت و برابری حق رأی شهروندان در حوزه‌های مختلف و شکل‌گیری مجلسی مردم‌سالار منجر شود. در ادامه به صورت کلی به بررسی مصوبه کمیسیون از منظر شاخص‌های فوق پرداخته می‌شود:

### ۱-۱. عامل انسانی (جمعیت)

از منظر عامل جمعیت، دو شیوه برای بررسی نسبت جمعیت به تعداد نمایندگان و مسئله برابری جمعیتی حوزه‌های انتخابیه وجود دارد که تکمیل‌کننده یکدیگرند. اول، چگونگی توزیع کرسی‌های مجلس میان استان‌ها نسبت به جمعیت هر استان و دوم، چگونگی توزیع کرسی‌های مجلس درون حوزه‌های انتخابیه استان‌های کشور. بسنده کردن به یکی از رویکردهای مذکور و نادیده گرفتن دیگری، تصویری جامع از وضعیت حوزه‌های انتخابیه از جهت تأمین برابری حق رأی‌دهی ارائه نمی‌کند. در واقع جهت تحقق عدالت انتخاباتی، مندرج در بند «۱» سیاست‌های کلی انتخابات، نخست باید استان‌های کشور نسبت به جمعیت خود سهم برابری از کرسی‌های مجلس شورای اسلامی داشته باشند و در مرحله بعد حوزه‌های انتخابیه درون استان‌ها نسبت به جمعیت خود و با رعایت مقتضیات اجتناب‌ناپذیر، تا حد ممکن سهم برابری از کرسی‌های استان داشته باشند.

بررسی تعداد نمایندگان استان‌های کشور و مقایسه آن با جمعیت استان‌ها، حاکی از وجود وضعیتی نامناسب است. در حال حاضر بیشترین نسبت جمعیت به تعداد نماینده مربوط به استان البرز است. در این استان هر ۹۰۴,۱۳۳ نفر از یک نماینده برخوردار است که حاکی از انحراف ۲۲۲/۳+ درصد از میانگین کشوری فعلی، یعنی «هر ۲۸۰,۴۴۳ نفر یک نماینده» است. در مقابل کمترین نسبت جمعیت به تعداد نماینده متعلق به استان سمنان است. در این استان، هر ۱۷۵,۵۹۰ نفر از یک نماینده برخوردار است که نشان‌دهنده انحراف ۳۷/۳- درصد از میانگین ۲۸۰,۴۴۳ نفر است [۲]. وضعیت کنونی نحوه توزیع کرسی‌ها میان استان‌ها، از یکسو باعث می‌شود ارزش رأی‌دهندگان در استان‌های مختلف نابرابر شود و از سوی دیگر استان‌ها به نسبت جمعیت خود، سهم برابری از کرسی‌های مجلس نداشته باشند که نتایج مهم سیاسی، اقتصادی و توسعه‌ای در پی دارد.

بررسی جمعیت حوزه‌های انتخابیه مجلس و مقایسه آن با میانگین

۱. با توجه به اینکه بیش از ۲۰ سال از آخرین بازنگری و افزایش نمایندگان مجلس می‌گذرد، لذا تعداد ۴۰ نماینده می‌تواند اضافه شود.

به «۲۴۵،۹۲۷ نفر» کاهش می‌یابد. ۲ بررسی وضعیت استان‌های کشور در شرایط فعلی (مقایسه جمعیت و تعداد نمایندگان استان‌ها با میانگین کشوری هر ۲۸۰،۴۴۳ نفر یک نماینده) و نیز با فرض افزایش چهل نماینده (مقایسه جمعیت و تعداد نمایندگان استان‌ها با میانگین کشوری ۲۴۵،۹۲۷ نفر)، معیاری مناسب برای ارزیابی کلیات طرح حاضر است (جدول ۱).

تعداد نمایندگان اختصاص یافته به یک استان، طبق شاخص‌های موجود در قانون، چگونه درون استان توزیع شده است.

۱-۱- چگونگی توزیع کرسی‌ها میان استان‌های کشور  
 با توجه به جمعیت کشور طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ که ۷۹،۹۲۶،۲۷۰ نفر است، در حال حاضر به هر «۲۸۰،۴۴۳ نفر» یک نماینده تعلق می‌گیرد، ۱ چنانچه چهل کرسی به کرسی‌های مجلس شورای اسلامی اضافه شود، میانگین کشوری نسبت جمعیت به یک نماینده

جدول ۱. نحوه توزیع چهل کرسی میان استان‌های کشور در مصوبه کمیسیون

تعداد نمایندگان اختصاص یافته به استان در مصوبه کمیسیون	وضعیت استان پس از افزایش ۴۰ کرسی (طبق میانگین کشوری ۲۴۵،۹۲۷ نفر یک نماینده)		وضعیت کنونی استان (طبق میانگین کشوری هر ۲۸۰،۴۴۳ نفر یک نماینده)		مشخصات استان				
	انحراف تعداد نماینده نسبت به کل جمعیت استان <sup>۶</sup>	تعداد نماینده نسبت به کل جمعیت <sup>۷</sup>	انحراف تعداد نماینده نسبت به جمعیت کل استان <sup>۵</sup>	تعداد نماینده نسبت به کل جمعیت <sup>۴</sup>	نسبت تعداد کنونی جمعیت به یک نماینده	تعداد کنونی نمایندگان	تعداد حوزه انتخابیه	جمعیت <sup>۳</sup>	نام استان
-	۳/۲ نفر مازاد	۱۵/۸	۵/۱ نفر مازاد	۱۳/۹	۲۰۵،۷۷۱	۱۹	۱۳	۳،۹۰۹،۶۵۲	آذربایجان شرقی
۱	۱/۲ نفر کمبود	۱۳/۲	۵/۴ نفر مازاد	۱۱/۶	۲۷۲،۱۰۱	۱۲	۹	۳،۲۶۵،۲۱۹	آذربایجان غربی
-	۱/۹ نفر مازاد	۵/۱	۳ نفر مازاد	۴/۵	۱۸۱،۴۸۸	۷	۵	۱،۲۷۰،۴۲۰	اردبیل
۲	۱/۸ نفر کمبود	۲۰/۸	۵/۸ نفر مازاد	۱۸/۲	۲۶۹،۵۱۸	۱۹	۱۵	۵،۱۲۰،۸۵۰	اصفهان
۳	۸ نفر کمبود	۱۱	۶/۶ نفر کمبود	۹/۶	۹۰۴،۱۳۳	۳	۲	۲،۷۱۲،۴۰۰	البرز
-	۵/۷ نفر مازاد	۲/۳	۱ نفر مازاد	۲	۱۹۳،۳۸۶	۳	۲	۵۸۰،۱۵۸	ایلام
۱	۵/۷ نفر کمبود	۴/۷	۵/۱ نفر کمبود	۴/۱	۲۹۰،۸۵۰	۴	۴	۱،۱۶۳،۴۰۰	بوشهر
۵	۱۸/۹ نفر کمبود	۵۳/۹	۱۲/۳ نفر کمبود	۴۷/۳	۳۷۹،۰۷۵	۳۵	۶	۱۳،۲۶۷،۶۳۷	تهران
۱	۵/۲ نفر مازاد	۳/۸	۵/۷ نفر مازاد	۳/۳	۲۳۶،۹۴۱	۴	۴	۹۴۷،۷۶۳	چهارمحال و بختیاری
۱	۵/۹ نفر مازاد	۳/۱	۱/۳ نفر مازاد	۲/۷	۱۹۲،۲۲۴	۴	۴	۷۶۸،۸۹۸	خراسان جنوبی

۱. جهت محاسبه میانگین کشوری نسبت جمعیت به تعداد نمایندگان باید جمعیت کل کشور براساس سرشماری ۱۳۹۵ به تعداد نمایندگان تقسیم شود، اما از آنجاکه پنج کرسی متعلق به اقلیت‌های دینی از ۲۹۰ کرسی زرو شده است و نسبت جمعیت به تعداد نمایندگان در آن تأثیر ندارد، از این‌رو باید پنج کرسی از ۲۹۰ کسر شود و کل جمعیت کشور بر ۲۸۵ تقسیم شود تا میانگین کشوری نسبت تعداد نمایندگان به جمعیت کل کشور به‌دست آید. این عدد «۲۸۰،۴۴۳ نفر» است.

۲. با فرض افزایش تعداد ۴۰ کرسی به کرسی‌های مجلس شورای اسلامی، جهت محاسبه میانگین کشوری نسبت جمعیت به تعداد نمایندگان باید جمعیت کل کشور براساس سرشماری ۱۳۹۵ به تعداد ۳۳۰ نماینده تقسیم شود، اما از آنجاکه پنج کرسی متعلق به اقلیت‌های دینی و زرو شده است و نسبت جمعیت به تعداد نمایندگان در آن تأثیر ندارد، از این‌رو باید پنج کرسی از ۳۳۰ کسر شود و کل جمعیت کشور بر ۳۲۵ تقسیم گردد تا میانگین کشوری نسبت تعداد نمایندگان به جمعیت کل کشور به‌دست آید. این عدد «۲۴۵،۹۲۷ نفر» است.

۳. جمعیت استان‌ها براساس آخرین سرشماری رسمی کشور (۱۳۹۵) است.

۴. تعداد نماینده‌ای که هر استان نسبت به جمعیت خود باید داشته باشد (جمعیت استان تقسیم بر میانگین کشوری ۲۸۰،۴۴۳).

۵. انحراف تعداد نماینده نسبت به جمعیت کل استان از کسر تعداد کنونی نمایندگان استان از تعداد نماینده‌ای که استان طبق میانگین کشوری (هر ۲۸۰،۴۴۳ نفر یک نماینده) باید داشته باشد، به‌دست می‌آید.

۶. تعداد نماینده‌ای که هر استان نسبت به جمعیت خود باید داشته باشد (جمعیت استان تقسیم بر میانگین کشوری ۲۴۵،۹۲۷ نفر).

۷. انحراف تعداد نماینده نسبت به جمعیت کل استان از کسر تعداد کنونی نمایندگان استان از تعداد نماینده‌ای که استان طبق میانگین کشوری (هر ۲۴۵،۹۲۷ نفر یک نماینده) باید داشته باشد، به‌دست می‌آید.



تعداد نمایندگان اختصاص یافته به استان در مصوبه کمیسیون	وضعیت استان پس از افزایش ۴۰ کرسی (طبق میانگین کشوری ۲۴۵,۹۲۷ نفر یک نماینده)		وضعیت کنونی استان (طبق میانگین کشوری هر ۲۸۰,۴۴۳ نفر یک نماینده)		مشخصات استان				
	انحراف تعداد نماینده نسبت به کل جمعیت استان <sup>۲</sup>	تعداد نماینده به کل جمعیت <sup>۲</sup>	انحراف تعداد نماینده نسبت به جمعیت کل استان <sup>۵</sup>	تعداد نماینده نسبت به کل جمعیت <sup>۴</sup>	نسبت تعداد کنونی جمعیت به یک نماینده	تعداد کنونی نمایندگان	تعداد حوزه انتخابیه	جمعیت <sup>۳</sup>	نام استان
۲	۸/۳ نفر کمبود	۲۶/۳	۵/۱ نفر کمبود	۲۳/۱	۳۶۰,۲۰۹	۱۸	۱۲	۶,۴۸۳,۷۷۲	خراسان رضوی
۱	۰/۷ نفر مازاد	۳/۳	۱/۱ نفر مازاد	۲/۹	۲۰۳,۴۵۵	۴	۳	۸۱۳,۸۲۱	خراسان شمالی
۲	۱/۱ نفر کمبود	۱۹/۱	۱/۳ نفر مازاد	۱۶/۷	۲۶۱,۶۹۵	۱۸	۱۴	۴,۷۱۰,۵۰۹	خوزستان
-	۰/۸ نفر مازاد	۴/۲	۱/۳ نفر مازاد	۳/۷	۲۱۱,۴۹۲	۵	۴	۱,۰۵۷,۴۶۱	زنجان
-	۱/۲ نفر مازاد	۲/۸	۱/۵ نفر مازاد	۲/۵	۱۷۵,۵۹۰	۴	۴	۷۰۲,۳۶۰	سمنان
۳	۳/۲ نفر کمبود	۱۱/۲	۱/۸ نفر کمبود	۹/۸	۳۴۶,۸۷۷	۸	۶	۲,۷۷۵,۰۱۴	سیستان و بلوچستان
۳	۱/۷ نفر کمبود	۱۹/۷	۰/۸ نفر مازاد	۱۷/۲	۲۶۹,۵۱۵	۱۸	۱۵	۴,۸۵۱,۲۷۴	فارس
۱	۱/۱ نفر کمبود	۵/۱	۰/۵ نفر کمبود	۴/۵	۳۱۸,۴۴۰	۴	۳	۱,۲۷۳,۷۶۱	قزوین
۱	۲/۲ نفر کمبود	۵/۲	۱/۶ نفر کمبود	۴/۶	۴۳۰,۷۶۱	۳	۱	۱,۲۹۲,۲۸۳	قم
۱	۰/۵ نفر کمبود	۶/۵	۰/۳ نفر مازاد	۵/۷	۲۶۷,۱۶۸	۶	۵	۱,۶۰۳,۰۱۱	کردستان
۳	۲/۸ نفر کمبود	۱۲/۸	۱/۲ نفر کمبود	۱۱/۲	۳۱۶,۴۷۲	۱۰	۹	۳,۱۶۴,۷۱۸	کرمان
۱	۰/۱ نفر مازاد	۷/۹	۱/۱ نفر مازاد	۶/۹	۲۴۴,۰۵۴	۸	۶	۱,۹۵۲,۴۳۴	کرمانشاه
۱	۰/۲ نفر مازاد	۲/۸	۰/۵ نفر مازاد	۲/۵	۲۳۷,۶۸۴	۳	۳	۷۱۳,۰۵۲	کهگیلویه و بویراحمد
۱	۰/۵ نفر کمبود	۷/۵	۰/۴ نفر مازاد	۶/۶	۲۶۶,۹۷۴	۷	۶	۱,۸۶۸,۸۱۹	گلستان
-	۲/۸ نفر مازاد	۱۰/۲	۴ نفر مازاد	۹	۱۹۴,۶۶۹	۱۳	۱۱	۲,۵۳۰,۶۹۶	گیلان
-	۱/۹ نفر مازاد	۷/۱	۳ نفر مازاد	۶/۲	۱۹۵,۶۲۸	۹	۷	۱,۷۶۰,۶۴۹	لرستان
۱	۱/۳ نفر کمبود	۱۳/۳	۱ نفر مازاد	۱۱/۷	۲۷۳,۶۳۲	۱۲	۹	۳,۲۸۳,۵۸۲	مازندران
۱	۱/۲ نفر مازاد	۵/۸	۲ نفر مازاد	۵	۲۰۴,۲۱۱	۷	۶	۱,۴۲۹,۴۷۵	مرکزی
۲	۲/۲ نفر کمبود	۷/۲	۱ نفر کمبود	۶/۳	۳۵۵,۲۸۳	۵	۳	۱,۷۷۶,۴۱۵	هرمزگان
-	۲ نفر مازاد	۷	۲/۹ نفر مازاد	۶/۱	۱۹۳,۱۳۷	۹	۷	۱,۷۳۸,۲۳۴	همدان
۲	۰/۶ نفر کمبود	۴/۶	فاقد انحراف	۴	۲۸۴,۶۳۳	۴	۴	۱,۱۳۸,۵۳۳	یزد

کمبود نماینده دارد و اختصاص دو نماینده به استان یزد، در حالی که این استان نیازمند حدوداً یک نفر نماینده (۰/۶ نفر) است، از جمله نقاط قابل تأمل در مصوبه کمیسیون است که نیازمند اصلاح است.

**۱-۱-۲. چگونگی توزیع کرسی‌ها میان حوزه‌های انتخابیه کشور**  
جهت بررسی چگونگی توزیع ۴۰ نماینده میان حوزه‌های انتخابیه درون استان‌های کشور، از منظر جمعیتی، ضروری است، جمعیت حوزه‌هایی که در مصوبه کمیسیون مشمول افزایش نماینده قرار گرفته‌اند، از منظر انحراف مثبت / منفی نسبت به میانگین کشوری «هر ۲۴۵۹۲۷ نفر، یک نماینده» مقایسه شوند. به سخن دیگر باید بررسی شود که حوزه‌هایی که در مصوبه کمیسیون مشمول افزایش نماینده قرار گرفته‌اند، نسبت به میانگین کشوری از حدنصاب جمعیتی لازم جهت اختصاص نماینده برخوردار هستند یا خیر. در خصوص حوزه‌های جدیدالتأسیس در مصوبه کمیسیون باید بررسی شود که جمعیت حوزه مادر پس از انتزاع چه وضعیتی خواهد داشت. زیرا ممکن است حوزه انتخابیه جدید، از حدنصاب جمعیتی لازم برخوردار باشد، اما ایجاد حوزه مذکور سبب شود که حوزه مادر، تبدیل به یک حوزه کم جمعیت با انحراف منفی بالا نسبت به میانگین کشوری شود.

به منظور ارزیابی مصوبه کمیسیون از منظر عامل جمعیت، ناچاراً باید یک دسته‌بندی در خصوص انحراف جمعیت صورت گیرد. شایان ذکر است که در حال حاضر، درصد انحراف جمعیت حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی از میانگین کشوری تابع الگوی خاصی نیست و اغلب حوزه‌های انتخابیه میان طیف انحرافی از ۸۰- درصد تا ۸۰+ نسبت به میانگین فعلی کشوری پراکنده هستند. از مجموع ۲۰۳ حوزه انتخابیه، ۶۴ حوزه نسبت به میانگین فعلی کشوری، از انحراف مثبت برخوردارند (جمعیت ۶۴ حوزه انتخابیه بیشتر از میانگین کشوری است) و ۱۳۹ حوزه انتخابیه نسبت به میانگین مذکور انحراف منفی دارند (جمعیت ۱۳۹ حوزه انتخابیه کمتر از میانگین کشوری است). بنابراین اغلب حوزه‌های انتخابیه نسبت به میانگین کشوری، جمعیت کمتری دارند. بیشترین تعداد حوزه‌های انتخابیه کشور نسبت به میانگین فعلی کشوری، درصد انحراف بین صفر تا ۳۰- / ۴۰+ دارند [۲]. با توجه به وضعیت فعلی حاکم بر حوزه‌های انتخابیه می‌توان یک دسته‌بندی به شرح زیر در نظر گرفت:

۱. انحراف مثبت از میانگین کشوری؛
۲. انحراف صفر تا ۱۹/۹- درصد از میانگین کشوری به عنوان انحراف مناسب؛
۳. انحراف ۲۰- تا ۲۹/۹- درصد از میانگین کشوری به عنوان انحراف

بررسی جدول فوق و نیز چگونگی توزیع چهل کرسی میان استان‌های کشور، و حوزه‌های درون آنها حاکی از نکات ذیل است:

■ در مصوبه کمیسیون به استثنای استان مرکزی (با ۱/۲ نفر نماینده مازاد نسبت به میانگین کشوری ۲۴۵،۹۲۷ نفر)، به سایر استان‌هایی که بیش از یک نماینده مازاد نسبت به جمعیت خود دارند، نماینده‌ای اختصاص داده نشده است. این رویه، اقدامی مثبت در راستای تحقق «عدالت انتخاباتی» مندرج در بند «۱» سیاست‌های کلی انتخابات است و سبب خواهد شد تفاوت میان استان‌های کشور از منظر تعداد نمایندگان استان نسبت به کل جمعیت استان کاسته شود.

■ توزیع چهل کرسی بین استان‌های کشور به گونه‌ای صورت گرفته است که به همه استان‌هایی که نسبت به جمعیت خود کمبود نماینده دارند، حداقل یک نماینده تخصیص داده شده است. در صورت تصویب طرح حاضر، به استثنای استان‌های تهران، البرز، خراسان رضوی و قم، هیچ کدام از استان‌های کشور نسبت به جمعیت خود کمبود نماینده نخواهند داشت.

■ به هشت استان کشور شامل استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، ایلام، زنجان، سمنان، گیلان، لرستان، و همدان، نماینده‌ای اختصاص داده نشده است. هر چند دو استان ایلام (با ۰/۷ نفر مازاد) و زنجان (با ۰/۸ نفر مازاد)، نسبت به جمعیت خود کمتر از یک نفر مازاد نماینده دارند، اما حوزه‌های انتخابیه دو استان مذکور فاقد شرایط لازم به لحاظ جمعیتی جهت تخصیص نماینده هستند. استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، سمنان، گیلان، لرستان و همدان نسبت به میانگین کشوری ۲۴۵،۹۲۷ بیش از یک نماینده مازاد دارند. بررسی حوزه‌های انتخابیه درون استان‌های مذکور، نشان می‌دهد که به استثنای استان‌های آذربایجان شرقی، همدان و گیلان، حوزه‌های انتخابیه سایر استان‌های مذکور نسبت به میانگین کشوری ۲۴۵،۹۲۷، از انحراف مثبت جمعیتی لازم جهت اختصاص نماینده برخوردار نیستند. <sup>۱</sup> مهم اینکه بررسی حوزه‌های انتخابیه درون سه استان مذکور حاکی از وضعیت نامتناسب حوزه‌بندی و توزیع نمایندگان است و اغلب حوزه‌های انتخابیه سه استان مذکور نسبت به میانگین کشوری از جمعیت کمتری برخوردارند [۲]. لذا منطقی و عادلانه آن است که نماینده برای حوزه‌های انتخابیه‌ای که در سه استان مذکور، کمبود نماینده دارند از نمایندگان مازاد استان‌های متبوع (از طریق اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه درون استان و بازتوزیع تعداد نمایندگان با توجه به میانگین کشوری) تأمین شود.

■ اختصاص سه نماینده به استان فارس، در حالی که این استان ۱/۷ نفر

۱. در استان آذربایجان شرقی، حوزه انتخابیه تبریز نسبت به میانگین کشوری ۲۴۵،۹۲۷، از انحراف مثبت ۵۶۶،۰۵۲ نفری برخوردار است که به معنای نیاز برای افزایش دو نماینده است. استان آذربایجان شرقی در مجموع در شرایط کنونی (با میانگین کشوری ۲۸۰،۴۴۳ نفر) از مازاد بیش از ۵ نماینده برخوردار است و در صورت افزایش چهل نماینده (با میانگین کشوری ۲۴۵،۹۲۷ نفر) نیز همچنان از مازاد بیش از ۳ نماینده برخوردار خواهد بود. در استان گیلان، حوزه انتخابیه رشت و خمام نسبت به میانگین کشوری ۲۴۵،۹۲۷ انحراف مثبت ۲۱۹،۱۹۰ نفری دارد که به میانگین کشوری جهت اختصاص یک نماینده نزدیک است. استان گیلان در مجموع در شرایط کنونی (با میانگین کشوری ۲۸۰،۴۴۳ نفر) ۴ نفر مازاد نماینده دارد. در صورت افزایش چهل نماینده (با میانگین کشوری ۲۴۵،۹۲۷ نفر) این استان همچنان ۲/۸ نفر مازاد خواهد داشت. در استان همدان، حوزه انتخابیه همدان و فامنین نسبت به میانگین کشوری ۲۴۵،۹۲۷ نفر انحراف مثبت ۲۲۳،۶۱۰ نفری دارد که به میانگین کشوری جهت اختصاص یک نماینده نزدیک است، اما استان همدان در مجموع در شرایط کنونی (با میانگین کشوری ۲۸۰،۴۴۳ نفر) ۲/۹ نفر مازاد نماینده دارد. در صورت افزایش چهل نماینده (با میانگین کشوری ۲۴۵،۹۲۷ نفر) این استان همچنان ۲ نفر مازاد خواهد داشت. لذا به نظر می‌رسد که در راستای عدالت انتخاباتی مندرج در بند یک سیاست‌های کلی انتخابات به سه استان مذکور نماینده‌ای اختصاص داده نشده است.



قابل تحمل؛

۴. انحراف ۳۰- تا ۳۹/۹- درصد از میانگین کشوری به‌عنوان انحراف نسبتاً بالا؛

۵. انحراف ۴۰- درصد و بالاتر از آن به‌عنوان انحراف بالا و غیر قابل تحمل. فارغ از تغییرات جمعیتی که در حوزه‌های انتخابیه کشور، صرفاً در نتیجه اصلاح ۱۰ مورد عدم تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای سیاسی محلی (مرزهای تقسیمات کشوری)، در راستای تحقق تبصره «۲» ماده (۱۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، در نتیجه تصویب طرح حال حاضر به وجود خواهد آمد، بررسی مصوبه کمیسیون و محاسبه درصد انحراف نسبت جمعیت به یک نماینده از میانگین کشوری در سایر حوزه‌های انتخابیه مشمول تغییرات مندرج در مصوبه کمیسیون و به‌عبارت دیگر بررسی انحراف جمعیتی حوزه‌های جدیدالتأسیس، حوزه‌های انتخابیه مادر که حوزه‌ای جدید از آنها منتزع خواهد شد، حوزه‌های مشمول افزایش نماینده بدون تغییر در مرزهای حوزه، حوزه‌های انتخابیه مشمول اصلاح مرزها و افزایش نماینده و حوزه‌های انتخابیه مشمول اصلاح مرزها حاکی از نتایج ذیل است:

■ ۲۸ حوزه انتخابیه (۴۴/۵ درصد) مذکور) نسبت به میانگین کشوری انحراف مثبت جمعیتی خواهند داشت؛

■ ۹ حوزه انتخابیه (۱۴/۳ درصد) نسبت به میانگین کشوری از انحراف جمعیت صفر تا ۱۹/۹- درصد برخوردار خواهند بود؛

■ ۷ حوزه انتخابیه (۱۱/۲ درصد) از انحراف جمعیت بین ۲۰- تا ۲۹/۹- درصد برخوردار خواهند بود؛

■ ۶ حوزه انتخابیه (۹/۶ درصد) از انحراف جمعیت بین ۳۰- تا ۳۹/۹- درصد برخوردار خواهند بود؛

■ ۱۳ حوزه (۲۰/۷ درصد) از انحراف جمعیت ۴۰- درصد و بالاتر برخوردار خواهند بود.

اعداد و درصدهای فوق حاکی از این است که در مجموع ۳۷ مورد (۵۸/۸ درصد) حوزه‌های مشمول تغییرات در مصوبه کمیسیون، پس از اعمال تغییرات، از منظر جمعیتی وضعیتی ایده‌آل (انحراف مثبت از میانگین کشوری) و یا مناسب (انحراف کمتر از ۲۰- درصد) خواهند داشت که حاکی از این است که عامل جمعیت در مصوبه کمیسیون به‌خوبی مدنظر قرار گرفته است. تنها در ۲۰/۷ درصد حوزه‌های مشمول تغییرات در مصوبه کمیسیون، نتیجه اعمال تغییرات انحراف بالای ۴۰- درصدی از میانگین کشوری خواهد بود. شایان ذکر است که ۱۳ حوزه‌ای که پس از اعمال تغییرات مندرج در مصوبه کمیسیون از انحراف بالای ۴۰- درصد برخوردار خواهند بود، ۷ حوزه، حوزه‌های جدیدالتأسیس هستند و ۵

حوزه، در واقع حوزه‌های مادر هستند که از آنها حوزه جدید منتزع شده است. یک مورد باقی مانده، در واقع حوزه‌ای است که مشمول اصلاح مرز و الحاق بدون اختصاص نماینده شده است. ۱.

شایان ذکر است که طبق مصوبه کمیسیون، ۲۰ حوزه انتخابیه جدید ایجاد شده است. از میان ۲۰ حوزه انتخابیه جدیدالتأسیس:

■ ۵ حوزه انتخابیه (۲۵ درصد حوزه‌های انتخابیه جدیدالتأسیس) نسبت به میانگین کشوری ۲۴۵,۹۲۷ نفر انحراف مثبت (جمعیت ۵ حوزه مذکور بالای ۲۴۵,۹۲۷ نفر است) و در نتیجه وضعیت ایده‌آل دارند؛

■ ۴ حوزه انتخابیه، نسبت به میانگین کشوری، انحراف منفی بین ۲۰- تا ۲۹/۹- درصد دارند (۲۰ درصد حوزه‌های انتخابیه جدیدالتأسیس)؛

■ ۴ حوزه انتخابیه انحراف منفی ۳۰- تا ۳۹/۹- درصد نسبت به میانگین کشوری دارند (۲۰ درصد حوزه‌های انتخابیه جدیدالتأسیس)؛

■ ۷ حوزه انتخابیه انحراف بالای ۴۰- درصد دارند. از میان ۷ حوزه انتخابیه مذکور ۵ مورد انحراف بالای ۵۰- از میانگین کشوری دارند (۲۵ درصد حوزه‌های انتخابیه جدیدالتأسیس). هر چند کوچک‌تر شدن حوزه‌های انتخابیه گامی در راستای شناخت مردم از نمایندگان مندرج در بند «۱» سیاست‌های کلی انتخابات است، اما ایجاد حوزه‌های انتخابیه با انحراف جمعیتی بالای ۴۰- درصد نسبت به میانگین کشوری، مغایر عدالت انتخاباتی مندرج در بند «۱» سیاست‌های کلی انتخابات است و لذا شایسته است که در خصوص ۷ مورد مذکور تجدیدنظر صورت گیرد.

## ۲-۱. عامل سیاسی

از منظر حقوقی از اعمال عامل «سیاسی» در امر حوزه‌بندی برداشت‌های متفاوتی صورت می‌گیرد. با این حال می‌توان گفت که در بسیاری از کشورها تلاش می‌شود به‌هنگام ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه به گروه‌های مختلف زبانی، دینی و قومی توجه شود و «منافع گروه‌های محلی» تا حد ممکن حفظ شود و حوزه‌های انتخابیه در برگیرنده مردمی باشند که به‌لحاظ قومی، فرهنگی و... تا حد ممکن یکدست و دارای «منافع مشترک» باشند [۱]. با توجه به اطلاعات موجود، بررسی مصوبه کمیسیون حاکی از این است که این عامل در اغلب موارد تا حد ممکن رعایت شده است.

## ۳-۱. عامل جغرافیایی

همان‌گونه که در مقدمه بیان شد، در اغلب کشورها رایج‌ترین معیار جغرافیایی توجه به «مرزهای سیاسی محلی» است که از قبل وجود داشته‌اند. دو معیار جغرافیایی دیگر که برخی کشورها در ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه خود به آنها توجه می‌کنند و به «شکل» حوزه

۱. این مورد الحاق شهرستان کلات به حوزه انتخابیه درگز است که البته پس از اعمال تغییرات مندرج در مصوبه کمیسیون، وضعیت جمعیتی و انحراف منفی آن نسبت به قبل بهبود یافته است.

انتخابیه کشور، فردوس، سرایان و طبس و بشرویه با ۲۴،۸۳۲ کیلومتر مربع مساحت و کوچکترین حوزه انتخابیه کشور، خمینی شهر است که ۱۸۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. همچنین اغلب حوزه‌های انتخابیه کشور دارای مساحتی کمتر از ۶۰۰۰ هزار کیلومتر مربع می‌باشند.

در حال حاضر، از میان ۲۰۳ حوزه انتخابیه کشور تنها ۲۵ حوزه دارای مساحتی بیش از ۱۵ هزار کیلومتر مربع هستند. بررسی مصوبه کمیسیون حاکی از این است که همه حوزه‌های انتخابیه با وسعت بیش از ۱۵ هزار کیلومتر مربع وسعت که جمعیت آنها نسبت به میانگین کشوری هر ۲۴۵،۹۲۷ نفر یک نماینده، از انحراف حداقل ۵۰+ درصدی برخوردار است، از طریق تفکیک حوزه، اصلاح مرزها و افزایش نماینده و یا افزایش نماینده در حالی انجام شده است که حوزه مذکور از حدنصاب جمعیتی لازم برخوردار نبوده است. این سه مورد عبارتند از فردوس، سرایان، طبس و بشرویه (وسیع‌ترین حوزه انتخابیه کشور)؛ مهریز، بافق، بهاد، ابرکوه و خاتم و مروست (ششمین حوزه انتخابیه وسیع کشور)؛ لارستان و خنج و گراش (بیستمین حوزه انتخابیه وسیع کشور). در حالی که همان‌گونه که پیش از این بیان شد، آنچه از قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات برمی‌آید، در بحث حوزه‌بندی و افزایش نمایندگان در ابتدا به عامل «جمعیت» اشاره شده است.

۲. افزایش تعداد نمایندگان مجلس در قالب طرح پیشنهادی توسط نمایندگان محترم، شائبه مغایرت با اصل هفتادوپنجم قانون اساسی را دارد.<sup>۱</sup> با این حال، طرح حاضر در راستای احقاق حقوق ملت و عمل به اصلی از قانون اساسی (اصل شصت و چهارم) است که طی دو دهه اخیر، تحقق آن از طریق ارائه لایحه دولت میسر نشده است. در صورت مغایرت طرح حاضر با اصل (هفتادوپنجم) قانون اساسی، تصویب آن مستلزم تعیین طریق تأمین هزینه و همکاری دولت است.

۳. طرح دارای ایرادهای نگارشی است که به جهت رعایت بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری، ابلاغی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ضروری است این‌گونه ایرادها اصلاح شوند. برای مثال:

■ در تدوین عنوان و ماده‌واحد اصول نگارش متون قانونی رعایت نشده است. با توجه به اینکه طرح حاضر در واقع قصد اصلاح قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۶/۱/۳۰ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن را دارد، ضروری است عنوان و تاریخ تصویب قانون مذکور در عنوان طرح ذکر شود. لذا عنوان باید به «طرح اصلاح قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۶/۱/۳۰ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن» تغییر یابد. همچنین پیشنهاد می‌شود ماده واحد بدین شرح اصلاح شود «جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها به

انتخابیه مربوط می‌شوند عبارتند از: «به هم متصل بودن نواحی مختلف یک حوزه انتخابیه» و نیز «جمع و جور بودن شکل حوزه انتخابیه». همچنین به‌طور معمول در امر حوزه‌بندی تلاش می‌شود به «مرزهای طبیعی» که در نتیجه عواملی مانند کوه‌ها، رودخانه‌ها، و غیره ایجاد شده‌اند، سهل الوصول بودن به لحاظ جغرافیایی و نیز شیوه‌های رفت و آمد بین نواحی ذیل حوزه نیز مدنظر قرار گیرد. همچنین در بسیاری از کشورهای جهان که در آنها فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه وجود دارد تلاش می‌شود این مرزها به گونه‌ای ترسیم شوند که منافع گروه‌های محلی حفظ شود [۱].

در خصوص مرزهای سیاسی محلی، براساس تبصره «۲» ماده (۱۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۰۴/۱۵ «حوزه‌های انتخابات مجلس شورای اسلامی حتی‌الامکان منطبق به محدوده شهرستان‌ها و هر حوزه انتخاباتی متشکل از یک یا چند شهرستان خواهد بود...». شایان ذکر است که در حال حاضر، ۱۲ مورد، عدم تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی با مرزهای تقسیمات کشوری وجود دارد. یکی از نقاط قوت مصوبه کمیسیون این است که ۱۰ مورد از عدم تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای سیاسی تقسیمات اصلاح شده است. دو مورد که اصلاح نشده‌اند عبارت‌اند از اول: در استان چهارمحال و بختیاری، بخش دستگرد به لحاظ تقسیمات کشوری جزء شهرستان فرخ‌شهر است، اما از لحاظ حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه اردل، فارس، کوهرنگ و کار قرار دارد. دوم، در استان زنجان، دهستان‌های بوغداکندی (با جمعیت ۷،۱۳۳ نفر) و قلتوق (با جمعیت ۳،۵۳۰ نفر) از لحاظ تقسیمات کشوری جزء شهرستان زنجان هستند، اما از لحاظ حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ماه‌نشان و ایجرود قرار دارند.

همچنین در خصوص توجه به مرزهای طبیعی، ایرادی به مصوبه کمیسیون وارد نیست. شاخص به هم متصل بودن نواحی مختلف حوزه‌های انتخابیه در مصوبه کمیسیون کاملاً رعایت شده است. بررسی مصوبه کمیسیون در خصوص شاخص جمع و جور بودن حوزه انتخابیه حاکی از این است که در اغلب موارد ویژگی جمع و جور بودن حوزه انتخابیه رعایت شده است. در خصوص مواردی که رعایت نشده علت را باید در شکل جغرافیایی شهرستان‌ها و بعضاً در شکل جغرافیایی استان‌ها جستجو کرد. به سخن دیگر ایجاد واحدهای سیاسی از منظر شکلی فاقد ویژگی فشرده بودن، سبب می‌شود که در مرحله بعد حوزه انتخابیه نیز فاقد ویژگی فشرده‌گی از منظر شکلی باشد.

عامل سهل الوصول بودن حوزه‌های انتخابیه و تا حدی جمع و جور بودن حوزه‌های انتخابیه و به نوعی در ویژگی‌های وسعت حوزه‌های انتخابیه منعکس می‌شود. شایان ذکر است که در حال حاضر وسیع‌ترین حوزه

۱ شایان ذکر است که افزایش تعداد نمایندگان در سال ۱۳۷۸ که تحت عنوان «اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها» به تأیید شورای نگهبان رسید به صورت لایحه ارائه شده بود.



■ ضروری است نقاط جزء حوزه‌های انتخابیه به صورت کامل ذکر شوند.

شرح زیر اصلاح می‌شود.»

■ در خصوص حوزه‌های انتخابیه جدیدالتأسیس ضروری است، «شهر»

مرکز حوزه انتخابیه درج شود.

## نتیجه‌گیری



ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه و اختصاص نماینده باید به گونه‌ای انجام گیرد که به تحقق عدالت و برابری حق رأی شهروندان در حوزه‌های مختلف و شکل‌گیری مجلسی مردم‌سالار منجر شود. با توجه به موارد مذکور در گزارش حاضر، به نظر می‌رسد که مصوبه کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای با وجود برخی ایرادها، منجر به نوعی عدالت نسبی در امر حوزه‌بندی و تعداد نمایندگان استان‌های کشور و حوزه‌های انتخابیه خواهد شد. **لذا تصویب کلیات طرح حاضر مشروط به اصلاح برخی بندهای ماده واحده پیشنهاد می‌شود.**

شماره ماده	موافق	مخالف	موافق به شرط اصلاح	ارجاع به کمیسیون
کلیات طرح	✓			

## منابع و مأخذ



۱. گرو فمن، برنارد. فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه (مطالعه تطبیقی)، ترجمه ابوذر رفیعی قهساره، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵.
۲. میراحمدی، فاطمه‌سادات. بررسی نسبت جمعیت حوزه‌های انتخابیه به تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی. دفتر مطالعات سیاسی، مرکز پژوهش‌های مجلس. شماره مسلسل: ۱۷۲۷۴، ۱۰ آذرماه سال ۱۳۹۹.
۳. میراحمدی، فاطمه‌سادات. آسیب‌شناسی نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس در ایران ۱. دوره مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران. دفتر مطالعات سیاسی، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۷۱۳۰، ۱۷ تیرماه سال ۱۳۹۹.
۴. میراحمدی، فاطمه‌سادات، آسیب‌شناسی نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس در ایران ۲. پس از انقلاب اسلامی ایران تاکنون، دفتر مطالعات سیاسی، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۷۲۷۲، ۱۰ آذرماه سال ۱۳۹۹.
۵. شمس، محمدرضا میراحمدی، فاطمه‌سادات، اظهار نظر کارشناسی درباره «طرح تعیین حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی». دفتر مطالعات سیاسی، مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۰ آذرماه سال ۱۴۰۱.





## مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: [mrc@majles.ir](mailto:mrc@majles.ir)

وبسایت: [rc.majles.ir](http://rc.majles.ir)